

# نگاه متفاوت به یک پیروزی



[بیوسته به گذشته بخش یکصدو بیستم :](#)

ژان-پل شارل سازتژ دانشمند معروف فرانسوی میگوید اگر دلیل زندگی ات را بیابی هرگز خطایی را دوبار تکرار نه میکنی و فراموش نه میکنی که انسان هدف دارد و بزرگی او به هدفی است که در سر دارد... اقدام خشونت آمیز کودتا گران و دسته های نظامی از طائفه گولن ترکیه با همه زشتی ها و ویژه گیهای خون آلود اش یک ویژه گی منحصر به فرد بنیادی نیز داشته است

<https://www.youtube.com/watch?v=1i-sxOKP-lc>

آن اینکه وقتی مردم ترکیه بویژه نسل جوان و پرخاشگر آنکشور که از خشونت نفرت داشتند با هر باور و ایمانی که بودند یکصدا عمل خشونت آمیز کودتا گران گولنی را محکوم نمودند و با حضور سرشار شان کودتا را به شکست مواجه ساختند سیلی از پیام های تبریکی نیز عنوانی رجب تائب اردغان رئیس جمهور منتخب مردم و ملت بزرگ ترکیه سرازیر شد ند.

<https://www.youtube.com/watch?v=cDbIZOCiVhQ>

شگفت انگیز است که در زمره این پیام ها حتی کسانی چون محمد نواز شریف صدراعظم پاکستان که به دلیل شجرة النسب اش با عربستان در مقابل ارتش پاکستان به یک رقابت معلوم الحال افتاده اند نیز عنوانی رجب تائب اردغان پیام تبریکی فرستاد ، چه کسی نه میداند که شما را با افکار و اندیشه های مذهبی اردغان رئیس جمهور منخب مردم ترکیه اندکترین ارتباطی نیست بلکه شما می بینید که وقتی رجب تائب اردغان با اطمینان و با استفاده از تنها وسیله گوشی تلفن مردم غیور ترکیه را به خیابانها فرا می خواند ملیونها مرد وزن و پیر و جوان دعوت رهبر خویش را لبیک می گویند و به خیابانها فرود میریزند اما در عین حال

<https://www.youtube.com/watch?v=k1i0UIWBRkA>

این عمل خشونت آمیز کودتا گران و نظامیان گولنی را از « شیطان تا انسان » محکوم نمودند . اما هیچکسی پاسخ منطقی و عقلانی را که از شجرة النسب مشترک فکری و اعتقادی با رجب تائب اردغان نشئت کرده باشد به مثابه دستاویزی برای این گونه تهنیت ها عرضه نکرد .

<https://www.youtube.com/watch?v=455p6ogKIRU>

البته برخی از چهره های سیاسی جامعه افغانی با ارائیه تصاویر مشترک با رجب تائب اردغان رئیس جمهور منتخب و شجاع ترکیه که چند دهه قبل و در شرائط دیگر سیاسی و فرهنگی در آلبوم های شخصی خویش نگهداری نموده بودند در پیشاپیش مراتب تبریک و تهنیت خویش بکار گرفته اند



اما این بزرگواران نه میدانند و یا هم نه میخواهند بدانند که در همان زمان و مقطعی از تاریخ جامعه افغانستان نیز که از صحبت با ایشان و یا هم دیگر فعالان سیاسی آن دوران تصویر برداری بعمل آمده و تا با شما رسیده است نه شما و نه هم تائب ارغان جوان آن روزگار قصد برقراری یک پیوند خانوادگی را نداشتید بلکه هر دو جانب داعیه داران سیاسی و فرهنگی واحدی بودید که به زعم شما برای حل بحران جوامع انسانی در قلمرو تمامی واحد های بشری به مثابه نقشه راه ملتها تشخیص گردیده بود اما شرائط تکاملی نهضت های فکری ایدئولوژیک دینی درحوزه افغانستان و ترکیه با توجه به دو جغرافیای جداگانه و تأکید بر اسلوب های سنگواره ای و یا هم عقلانی و اجتهادی سبب گردیدند تا آرام ، آرام فاصله میان شما را تا مرز اختلاف در اصول برسانند .

<https://www.youtube.com/watch?v=gj09x0YCvyQ>

چنانچه می بینیم در این راه آقای رجب تائب اردغان رهبر حزب عدالت و توسعه وارث نسل جوان مذهبی که بر مبنای اجتهاد پویا و دینامیک جمعی و احکام عقلانی برای پیشرفت و ترقی عمومی با هیچ شخص حقوقی و حقیقی تعارف ندارد و راهش را با فتح الله گولن یکی از بنیانگذاران نهضت اسلامی در ترکیه مقیم ایالت پنسلوانیای ایالات متحده امریکا جدا نمود و اکنون اندیشه ها و افکار آقای فتح الله گولن سبب شده تا وی را متهم به نفوذ در ارتش و بالاخره متهم به رهبری کودتا و براندازی نظامی سازد که آقای فتح الله گولن از بنیانگذاران و حامیان اصلی آن بشمار می آمد . \* چگونه ممکن است رجال سیاسی و فکری که در جغرافیای اقلیم دیگری با قرئت و تعبیرخوشونت آمیز از **دین** به عنوان نقشه راه بشر در محیط و جغرافیای تنگ و تاریک نخستین سالهای بعثت پیامبر گرامی اسلام شناختی داشته باشند با آنانیکه از نظر آنها مصلحت ملی استوار بر تعرفه های هویتی نه حقوقی تمسک از اعتبار خاصی برخوردار است و خدمت به انسان را ماسوا از اینکه بپرسند به کدام دین و آئینی باور دارند و چگونه می اندیشند ؟ خدمت به آنها را جزیی از وظائف و رسالتهای دینی و مسؤولیتهای اجتماعی خود می شمارند ارتباط قائم ساخت ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=QY-SyVJkGrw>

البته توضیح این مطلب نیز ضرور است که امروز با رشد آگاهی و تعمیق معرفت انسان با توجه به اصل زرین هویتی فطرت انسان در جامعه فرآیند رشد و گسترش تعیین مناسبات در هر واحد قومی و ملی در جامعه بشری بصورت جداگانه و در انطباق با فطرت هستی و انسان مورد مطالعه قرار میگیرد لهذا نباید فراموش کرد که حلقه وصل این همه مناسبات قومی و قبیلهای حتی طبقاتی باید در آئینه توحید و عدالت که بر مبنای حرمت به انسان استوار باشد نگریسته شود .

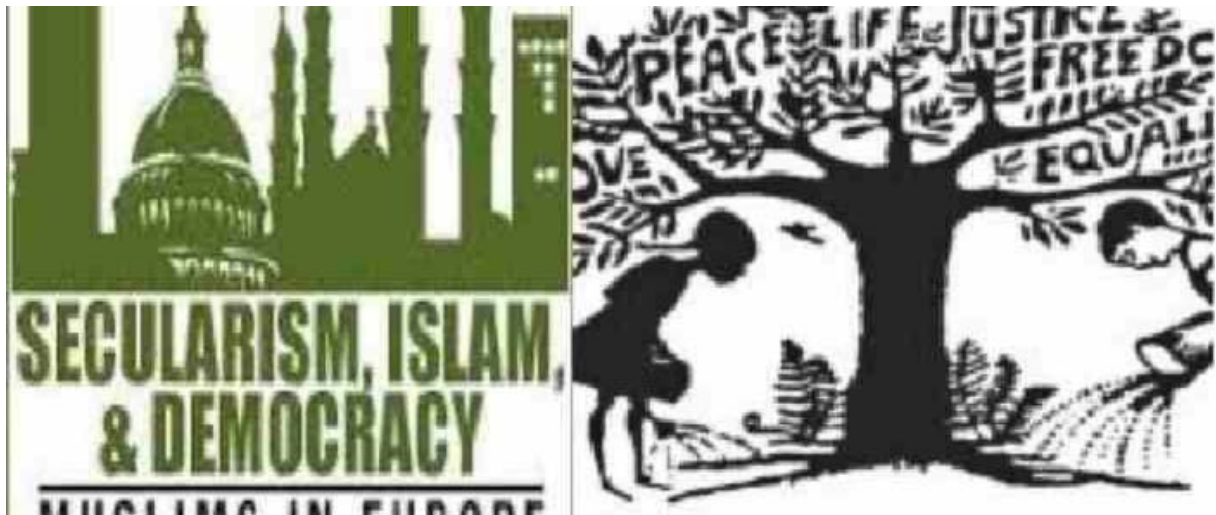


متأسفانه برخورد اکثریتی از روشنفکران و فعالان سیاسی اعم از مذهبی و سکولار دنیا و منطقه خاور میانه درباره شناخت حوادثی که بر بستر کشورهای شرقی و عمدتاً اسلامی بوقوع می پیوندند از نورم ها و پارامتر های دوران جنگ سرد میان ابرقدرت های جهان تابعیت میکنند طبیعی است که با ملاک قرار دادن مناسبات سیاسی و تاریخی جوامع سنتی دوران جنگ سرد به مثابه کلید شناخت مناسبات عمومی جوامع قرن بیست و یکم دچار اشتباه بزرگی می گردند . در حالیکه مقتضای شرایط حاکم بر جوامع قرن بیست و یکم دقت ویژه و العاده ای از رنارکفن شو و فعالان سیاسی می طلبند . این چنین است که در راستای هر نوع همبستگی های قومی و نژادی ملاک های تیوریک و جامعه شناسانه نسبت به اهرم های ثابت متعلق به جهان بینی علمی باید به مثابه نقشه راه مشترک در نظر گرفته شود و باید بصورت اکید از اتکا به هرگونه رسوبات شرک آلود قومی و نژادی و مذهبی پرهیز کرد . اما با تأسف باید گفت که سایه مناسبات قومی ، نژادی حتی مذهبی قرون گذشته بویژه دوران جنگ سرد در جبهه گیری های اکثریت قریب به اتفاق روشنفکران و منورین این نسل و در این عصر به مشاهده میرسند .



بر پایه این تفکر سنگواره ای برخلاف ادعای بلند بالای عده ای از اینگونه روشنفکرانها انسان موجود متحرک نیست و برای شناخت ماهیت وی فورمول های فلسفی فلاسفه قدیم و بزرگ جهان همچون چارلیز داروین Charles Robert Darwin فیلسوف و انسان شناس بزرگ قرن نوزده و دیگر فلاسفه و زیست شناسانی که به مثابه پایه های ماتریالیزم دیالکتیکی از سوی پایه گزاران معروفی همچون کارل مارکس و هیگل که در عصر حاضر تنها بنیانگذاران ماتریالیزم دیالکتیکی و تاریخی از آنها نقل قول میشوند بسنده می نمایند . چنانچه می بینیم همین میتود راکد و منجمد شناخت انسان برخلاف تیوریک تکامل داروین در حوزه جامعه شناسی بصورت دست نه خورده در باره ء تکامل

انسان مورد استفاده قرار گرفته میشود . در پرتو چنین قضاوت‌های متحجرانه روشنفکران عصر حاضر انسان میتوانند از لحاظ بیولوژیکی به مدارج بلندی از تکامل برسند اما در حوزه تاریخی وی را محکوم به پیروی از هویت دوران جنگ سرد و یاهم قبل از آن می‌سازند . این نوع برداشت استبدادی از جهان که بر پایه‌های معیوب معرفتی در حوزه تاریخ استوار است هیچگاه با واقعیت‌های زندگی امروزی بشر تطابق ندارد . زیرا انسان معاصر از همان آغاز پیدایشش با بویژه آنگاه که به جانشینی پروردگار در زمین مأموریت می‌یابد با کشف رموز پیچیده هستی و تسلط بر آن پدیده‌های نوی را در پیرامون زندگی اش می‌بینند باید گفت که دانشمندان حوزه جامعه‌شناسی این گونه دیگرگونی‌ها را که در پیرامون زندگی بشر بوقوع می‌پیوندند **سکولاریزاسیون Secularization** نامیده‌اند که در نتیجه تلاش خلاقانه و عقلانی روزمره انسان به کشفیات نوی میرسد و سعی مینماید که با کشف ماهیت آن برای زندگی خود و جامعه نقشه راهی را ترسیم کنند .



میتوان گفت که نگاه نواندیشان دینی با کشف ماهیت فطری پدیده‌های تازه کشف شده بر مبنای عقلانیت و خرد جمعی استوار است که در مفهومی بنام **اجتهاد** گنجانیده شده است و نقشه‌ای را پیشنهاد می‌نمایند که با موتور خرد و آگاهی راه تکامل انسان را بیمایند . البته باید گفت که نخست از همه برای درک این حقیقت متعالی باید به قدر لازم برای زندگی کردن از هستی و کائنات شناخت علمی پیدا کرد تا بتوان بر بالهای **«خرد متعهد»** ماهیت پدیده‌ها در هستی و کائنات را دریافت ، در آئینه چنین نگاه است که بسیاری از معتقدان بر یک باور پس از پیمودن مسیر مشترک تاریخی راه‌شان را باهم جدا می‌سازند و آنانی که نه توانند نیازهای فطری انسان جستجوگر معاصر را که در قلمرو هر زمان و هر مکان نیاز مندی‌های نوی را در پیرامون زندگی و حیاتش می‌بیند با آسانی راه حرکت‌شانرا جدا می‌سازند و در حوزه اجتماعی ، **نهاد دین** را یک نهاد اخلاقی مینامند و تا مرز تنها رابطه انسان با خدا که زندگی خصوصی شهروندان است تنزل می‌دهند . اینجاست که ماشین دروغساز‌ها و شایعه‌پراگنی‌ها و تهمت‌زنی‌ها برای تحریک تعصب‌های عوامانه به حرکت می‌آید و شخصیت‌های پاک و ذلالی چون محمد مرسی‌ها و رجب تائب اردغان‌ها قربانی و شکارچنین توطئه‌های می‌شوند ، سوال اساسی‌ای نسبت به همه ما که خود را به راستی و یاهم دروغ منسوب به یک جریان فکری در هر کجای عالم که باشیمیدانیم متوجه بوده این است که آیا ما با افکار و طراوشات فکری شخصیت‌ها و رجال یک نهضت فکری که به اقتضای شرائط خاص اجتماعی در جامعه حضور دارند چه مقدار هم آهنگی داریم ؟ و اساساً بینش ما با آن همه مبارزان راستینی که نه میگویند اشتباه نه میکنیم بلکه می‌گویند هر اشتباهی هم اگر مرتکب می‌شویم از درون ما بوده و هیچگاه منفذهای را که در بسیاری

لحظات تاریخ ملتها مورد استفاده بیگانه گان واقع میشوند به "**اجاره**" داده نه شده است و به کمک نسیم تازه ای که در دهلیز تاریخ جامعه میوزد به اصلاح آن می پردازسیم .



\* جهان بینی و اندیشه های فتح الله گولن از بنیانگذاران حرکت های دینی در ترکیه و آثار آن بر زندگی تکاملی بشر در یک مبحث جداگانه به بحث خواهیم گرفت